

## Foreign Intervention in the Internal Affairs of Governments through Cyber Operations According to Tallinn Manual 2

\*Azar Givkey

Ph.D. in International Law, Department of International Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran  
Azarg1359@gmail.com  
Mohammadreza, Hakakzadeh  
Assistant Professor, International Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

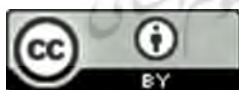
DOI: 10.30495/CYBERLAW.2022.691988

### Keywords:

The principle of non-intervention, Tallinn Manual, cyber-attack, Intervention, Cyber operations, prohibition of intervention

### Abstract

The environment of communication and interaction between states is changing in line with the progress of modern science and technology. The modern means of communication, in addition to facilitation of better and fast interactions, have the potential to become destructive threats that may interfere with the internal affairs of a country, and may target the right of determination of the people of a country, for example by using Movements during the elections in the targeted countries, or in the worst case, disrupt or destroy the vital and important infrastructure of a country. This research has been carried out in a descriptive-analytical method employing library studies and using documents available on the internet. The present article, while examining the principle of non-intervention as one of the basic principles of international law in cyber operations, accentuates the Tallinn Manual 2 in its attempt to examine the characteristics of a cyber-attack and, by considering the specific features of the intervention, aims at explaining the violation of the principle of non-intervention through cyber-attacks in different conditions.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

## مداخله خارجی در امور داخلی دولت‌ها از طریق عملیات سایبری با توجه به دستورالعمل

## تالین ۲

آذر گیوکی

دکتری حقوق بین الملل، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

Azarg1359@gmail.com

محمدرضا حکاکزاده

استادیار، حقوق بین الملل، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

تاریخ پذیرش: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱ بهمن ۱۴۰۰

## چکیده

فضای ارتباطات و تعاملات دولتها، هم‌سو و هم‌زمان با پیشرفت علوم و فناوری نوین، در حال تغییر است؛ ابزارهای ارتباطی جدید، علاوه بر کمک به تعامل بهتر و سریع‌تر، پتانسیل تبدیل به تهدیدات تخریب‌کننده‌ای را دارند که ممکن است ضمن مداخله در امور داخلی یک کشور، حق تعیین سرنوشت مردم یک کشور را به عنوان مثال با استفاده از تحرکاتی در هنگام انتخابات کشورها، نشانه رفته یا در بدترین شرایط، زیرساخت‌های حیاتی و مهم یک کشور را مختل و یا نابود کند؛ این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد موجود در فضای اینترنت، نگارش شده است؛ این مقاله، ضمن بررسی اصل منع مداخله به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل در عملیات سایبری، با عنایت به دستورالعمل تالین ۲، می‌کوشد ویژگی‌های یک حمله سایبری را مورد بررسی قرار داده و با بررسی ویژگی‌های خاص عمل مداخله جویانه، نقض اصل منع مداخله در حملات سایبری را در شرایط مختلف تبیین نماید.

کلید واژگان: اصل عدم مداخله، دستورالعمل تالین، حمله سایبری، دخالت، عملیات سایبری، منع مداخله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

عملیات سایبری خصمانه، توسط یک دولت، علیه دولت دیگر، به طور فزاینده‌ای گسترش یافته است. تخمین زده می‌شود که بیش از ۲۲ دولت، مسئول حمایت مالی از عملیات سایبری هستند که سایر دول را هدف قرار می‌دهند. عملیات سایبری که باعث جراحت یا مرگ افراد یا آسیب یا تخریب اشیاء می‌شود، می‌تواند به عنوان توسل به زور یا حمله مسلحانه براساس منشور ملل متحد شناخته شود. اگرچه، آستانه توسل به زور، محل بحث است اما، در عمل، اکثریت قریب به اتفاق عملیات‌های سایبری توسط دولت‌ها، زیر آستانه توسل به زور انجام می‌شود، این حملات، شامل نفوذهای مداوم در سطح پایین است که باعث آسیب به کشور قربانی شده و اغلب بدون اثرات فیزیکی قابل تشخیص است. اینگونه عملیات‌های زیر آستانه، فرصت‌هایی را به شیوه‌های مختلف، برای مداخله در امور داخلی یا خارجی دیگر دول در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد، از جمله موقعیت‌هایی که در آن‌ها یک دولت با ابزارهای سایبری در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر، مثلاً به منظور تغییر آراء الکترونیکی از راه دور و از رهگذر آن با دست بردن در انتخابات، مداخله می‌نماید؛ همچنین، وضعیت‌هایی که در آن‌ها یک دولت از طریق ابزارهای غیرسایبری در فعالیت‌های سایبری مربوط به امور داخلی یا خارجی دولت دیگر دخالت می‌کند.

در گذشته، توانایی دولت‌ها برای نسبت‌دادن حملات سایبری، به عاملان خاص، چالش‌برانگیز بود اما، همزمان با پیشرفت‌های فناوری، دولت‌ها توانایی بیشتری برای نسبت‌دادن دقیق نفوذ سایبری، خصوصاً از طریق همکاری شرکت‌های خصوصی امنیت سایبری با دولت‌ها، یافته‌اند. همچنین، به تناسب رشد فناوری‌های سایبری، بحث‌هایی در میان دولت‌ها دانشگاهیان و نهادهای بخش خصوصی درباره امکان ایجاد یک مکانیسم بین‌المللی، احتمالاً تحت نظارت سازمان ملل درباره انتساب مسئولیت عملیات سایبری تحت حمایت دولتی که در کشور دیگری مداخله نموده است، به وجود آمده است.

دولت‌ها، توافق کرده‌اند که قواعد حقوق بین‌الملل، از جمله اصول حاکمیت و عدم مداخله، در مورد فضای سایبری اعمال می‌شود. اما نحوه اعمال قواعد، همواره موضوع بحث است. نه تنها قانون در این زمینه مبهم است بلکه، اغلب دولت‌ها در استناد به این قانون یا نحوه توصیف آن با چالش‌هایی مواجه هستند. فقدان توافق در مورد نحوه اعمال قوانین حقوق بین‌الملل درباره عملیات‌های سایبری، باعث شده است که برخی دولت‌ها ترجیح دهند که قواعد را بر مبنای منافع خود تفسیر کرده یا زیرپاگذارند و برخی دولت‌ها که علاقه دارند پابندی خود به قواعد بین‌المللی را حفظ کنند، به دنبال مبنای روشن‌تری برای انجام و انتساب عملیات‌های سایبری باشند (Efrony and shany, 2018: 653).

در راستای تفسیر قواعد موجود در حقوق بین‌الملل و قاعده‌مندی‌سازی عملیات‌های سایبری، یک گروه متخصص بین‌المللی (OECCDC) به دعوت مرکز عالی دفاع سایبری ناتو در تالین استونی تشکیل شد؛ گروه اصلی، متشکل از ۲۳ متخصص (از جمله چهار ناظر) از دانشگاهیان و متخصصین اولین دستورالعمل تالین ۱<sup>۱</sup>، نه تنها عملیات سایبری با آستانه بالا را پوشش می‌دهد، بلکه شامل آن دسته اقدامات سایبری که مقیاس و اثر آنها ممکن است نقض منع توسل به زور تلقی شود، یا اقدامات سایبری که در ضمن یک مخاصمه مسلحانه موجود اجرا می‌شوند، همچنین

<sup>۱</sup> دستورالعمل‌های تالین، به عنوان سندی علمی و غیرالزام‌آور در جهت قانونمند ساختن عملیات‌های سایبری، توسط یک گروه متخصص بین‌المللی (OECCDC) تهیه شده است که به دعوت مرکز عالی دفاع سایبری ناتو در تالین استونی تشکیل شد؛ گروه اصلی، متشکل از ۲۳ متخصص (از جمله چهار ناظر) از دانشگاهیان و متخصصین بود و کار آنها توسط گروه دیگری شامل سیزده نفر متخصص بررسی شد. این امر منجر به انتشار اولین دستورالعمل تالین شد، که بر قوانین جنگ (jus ad bellum) and jus in bello) تمرکز داشت. در پاسخ به انتقادات، درباره تنوع محدود متخصصان شرکت‌کننده، شامل گروه متخصصانی از جهان انگلیسی آمریکایی و متخصصان قبل و حال حاضر ICRC و وابستگی بیش از حد این گروه، به منابع قانونی غربی، گروه دوم، به گونه‌ای متنوع‌تر، برای تجدیدنظر و توسعه دستورالعمل تالین ۱ تشکیل شد؛ این بار، گروه، شامل بیست و یک نفر از متخصصان (از جمله یک ناظر) و ۹۵ داور (به هر بازبین، یک بخش از دستورالعمل اختصاص داده شده است) بود که هر دو گروه توسط پروفیسور مایکل اشتمیت از آکادمی جنگ دریایی ایالات متحده و دانشکده حقوق دانشگاه اکستر هدایت می‌شدند. نتیجه این هم‌اندیشی، توسعه قواعد تالین ۱ و تفسیر عملیات‌های سایبری در ابعاد بیشتر و در نظر گرفتن حملات با آستانه پایین بود.

اقدامات با آستانه پایین، از جمله، عملیات سایبری که ممکن است موازین حقوق بین‌الملل، از جمله اصل حاکمیت و عدم مداخله یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض کنند، هم می‌شود.

در این تحقیق، بر آنیم که با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به مطالعه زوایای مداخله یک دولت، به وسیله ابزارهای سایبری در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر پرداخته، به این سوال پاسخ دهیم که ویژگی‌های مداخله در برخورد با عملیات سایبری، چیست و استثنائات مداخله ممنوعه، از منظر قواعد موجود، خصوصاً با تأکید بر قواعد دستورالعمل تالین ۲، چگونه تبیین می‌شود.

#### ۱- اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل

مداخله، واژه‌ای فنی و عملی است که به موجب آن، یک کشور بدون هیچ‌گونه توجیهی مطابق حقوق بین‌الملل، کشور مستقل دیگری را در امور مربوط به مسائل داخلی آن کشور (از هر نوع که باشد) از طریق دستور یا الزام، به گونه مؤثری مجبور به متابعت از نظرات خود و سلب اراده از کشور هدف کند (Jennings and Watts, 1992: 430-431).

مداخله در امور داخلی کشورها، تا قبل از تصویب منشور ملل متحد، حد و مرز معینی نداشت، لذا مداخله در امور داخلی کشورها از یک سو به اراده و قدرت کشور مداخله‌کننده و از سوی دیگر به قدرت و منافع دولت مداخله‌شونده مرتبط بود. در این دوران، صرفاً معاهدات و قراردادهای دوجانبه محدودی میان کشورها در رابطه با عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر وجود داشت که آن هم محدود به دوره یا دوران خاصی در مناسبات طرفینی بود (عباسی اشلقی، ۱۳۸۰: ۸۲). با تصویب منشور ملل متحد و درج اصل ممنوعیت مداخله در امور داخلی کشورها در بند ۷ ماده ۲ اقدامات و تعرضات دولت‌ها نسبت به یکدیگر، وارد مرحله نوینی شد. (اصلائی، ۱۳۹۵: ۱۹۵)؛ در واقع، ممنوعیت مداخله، تلفیقی از حق دولت بر حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی است (Wood, 2007: 2) و روابط بین‌المللی، بر پایه احترام به حاکمیت و استقلال دولت‌ها استوار است (ICJ Reports 1949, para.4).

منشور ملل متحد با تکیه بر اصل برابری و حاکمیت دولت‌ها، ضمن بند ۴ ماده ۲، توسل به زور یا حتی تهدید به استفاده از آن علیه تمامیت عرضی و استقلال سیاسی دولت‌ها را ممنوع اعلام کرده و در بند ۷ ماده مذکور اعلام می‌دارد، "هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که اساساً در صلاحیت داخلی هر دولت است دخالت نماید". علاوه بر این، اصل عدم مداخله، در قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله، قطعنامه ۲۱۳۱ در سال ۱۹۶۵ و قطعنامه ۲۶۲۵ درباره اصول حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۰، نیز قطعنامه ۳۲۸۱ به سال ۱۹۷۴، همچنین در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل، مانند اعلامیه روابط دوستانه و اعلامیه استقلال در امور داخلی کشورها و حفاظت از استقلال و حاکمیت آنها<sup>۱</sup> بیان شده است. اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مطابق منشور ملل متحد، مصوب سال ۱۹۷۰ (A/Res/25/2625) مداخله را مغایر با جوهره مفاد منشور دانسته و آن را ایجاد‌کننده وضعیت‌هایی می‌داند که می‌تواند صلح و امنیت را به مخاطره اندازد و اعلام می‌دارد که "هیچ دولتی نمی‌تواند به منظور به دست آوردن تبعیت سایر دولت‌ها از اعمال حقوق مربوط به حاکمیتش برای به دست آوردن هرگونه مزایا از اقدامات سیاسی یا هر اقدام دیگری برای اجبار دولت دیگر استفاده کند" (اسمعیل زاده‌ملاباشی و عبداللهی، ۱۳۹۹: ۷۲۲)؛ اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل درباره عدم پذیرش مداخله در امور داخلی دولت‌ها مصوب ۱۹۸۱ نیز بر لزوم این اصل تأکید کرده است (A/Res/36/103).

اصل مذکور، که به عنوان یکی از اصول مهم حقوق بین‌الملل همواره مطرح بوده همچنین در منابعی چون منشور سازمان کشورهای آمریکایی (Charter of Organization of American States)، پیمان ورشو (Warsaw Pact) پیمان اتحادیه عرب (Charter of Arab States League)، منشور سازمان وحدت آفریقا (Charter of organization of African Unity)، کنفرانس‌های کشورهای آمریکایی در مونته ویدئو (Montevideo Convention)، کنفرانس کشورهای آفریقایی و آسیایی در باندونگ (Afro-Asian

<sup>۱</sup>Friendly Relations Declaration

<sup>۲</sup>Declaration on the Inadmissibility of Intervention in the Domestic Affairs of States and the Protection of their Independence and Sovereignty, GA Res 2131(XX), 21 December 1965



conference-Bandung)، کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در بلگراد (Non-Aligned Movement Statement) و در نهایت منشور ملل متحد، به صراحت ذکر شده است.

دیوان بین‌المللی دادگستری در برخی از آرای خود از جمله رأی قضیه کانال کورفو و رأی قضیه نیکاراگوئه نیز بر اصل عدم مداخله تأکید کرده؛ چنانکه در رأی نیکاراگوئه، اظهار داشت که اصل عدم مداخله، حق هر کشور مستقل برای انجام امور خود بدون دخالت خارجی به عنوان بخشی از قوانین بین‌المللی عرفی است (Nicaragua v United States, 1986, Para 202).

به عقیده برخی حقوقدانان، اصل عدم مداخله، به عنوان یک اصل مستقل عرفی شناخته شده است و برخی حقوقدانان، برای این اصل، ماهیت آمره در نظر می‌گیرند، چنانکه قاضی سیت کامارا در نظریه جداگانه خود در رأی قضیه نیکاراگوئه، بیان کرد که در صورتی که معیار مندرج در ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در خصوص معاهدات را به‌کارگیریم، اصل عدم مداخله به عنوان قاعده‌ای آمره تلقی می‌شود (اسمعیل‌زاده‌ملاباشی و عبداللهی، ۱۳۹۹: ۷۲۳)؛ بیه این ترتیب، هنوز اجماعی درباره قاعده آمره بودن این اصل به وجود نیامده است.

۲: اصل عدم مداخله در برخورد با عملیات سایبری

چنانکه در بسیاری از اسناد پیش‌گفته و نیز اعلامیه روابط دوستانه بیان شده است، اصل عدم مداخله، به عنوان قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل عرفی، نشان می‌دهد که "هیچ کشوری حق دخالت در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر را ندارد"، "مداخله مسلحانه و تمام اشکال دیگری از دخالت یا تلاش برای تهدید علیه شخصیت دولت یا عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت، نقض قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود". همچنین، "هیچ دولتی نمی‌تواند با تشویق به استفاده از امکانات اقتصادی، سیاسی یا هر نوع دیگر، اقدام به اجبار یک دولت دیگر نماید و هیچ کشوری نباید از سازماندهی، کمک، امور مالی و یا تحمیل خرابکارانه، تروریستی و یا فعالیت‌های مسلحانه در جهت سرنگونی خشونت‌آمیز رژیم یک دولت دیگر یا دخالت در نزاع‌های مدنی در یک کشور دیگر استفاده کند". در حالی که این فرمول تا حدودی مبهم است، معنای اصلی مداخله، نسبتاً روشن است. رابطه‌ای نزدیک بین مفاهیم مداخله و توسل به زور، به منزله مداخله است، اما مفهوم مداخله، همچنین، شامل اقدامات کمتر از ماهیت اجباری است که تحت آستانه توسل به زور قرار می‌گیرند (والو، ۱۳۹۸: ۱۰۸).

قاعده ۶۶ دستورالعمل تالین ۲، نیز، مقرر می‌دارد "یک دولت نباید از جمله از طریق ابزارهای سایبری در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر مداخله نماید".

فضای سایبر، به طور خاص به واسطه پیوند روزافزون جهانی و وابستگی رو به رشد دولت‌ها به فناوری اطلاعات، فرصت‌هایی را به شیوه‌های مختلف، برای مداخله در امور داخلی یا خارجی دیگر دول در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد. این قاعده، مداخله جبراً آمیز یک دولت، از جمله به وسیله ابزارهای سایبری در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر را منع می‌کند و بر اصل حاکمیت در حقوق بین‌الملل و به ویژه آن جنبه از اصل مزبور که برابری حاکمیتی دولت‌ها را مقرر می‌دارد، استوار است. قاعده مذکور، از دستورالعمل تالین ۲، منع مداخله، را قاعده‌ای از حقوق بین‌المللی عرفی می‌داند؛ چرا که، دولت‌ها مرتباً اصل مربوطه را ابراز می‌کنند یا به آن متوسل می‌شوند.<sup>۴</sup> به علاوه، دیوان بین‌المللی دادگستری، سازمان‌های بین‌المللی و کمیسیون حقوق بین‌الملل، جایگاه عرفی ممنوعیت مربوطه را به رسمیت می‌شناسند.<sup>۵</sup> قاعده مزبور، وضعیت‌هایی را مد نظر قرار می‌دهد که در آن‌ها یک دولت با ابزارهای سایبری در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر، مثلاً با استفاده از عملیات‌های سایبری به منظور تغییر آراء الکترونیکی از راه دور و از رهگذر آن دست بردن در انتخابات، مداخله می‌نماید؛ همچنین، قاعده مورد اشاره، وضعیت‌هایی که در آن‌ها یک دولت از طریق ابزارهای غیرسایبری در فعالیت‌های سایبری

<sup>۴</sup>See also Statement of Defense of the United States, Iran–United States Claims Tribunal, Claim No. A/30 44 n.33, 52–57 (1996)

<sup>۵</sup>Armed Activities judgment, paras. 161–165; Nicaragua judgment, para. 202; Corfu Channel judgment, at 35. See also Declaration on Friendly Relations, princ. 3; International Law Commission, Declaration on Rights and Duties of States, annexed to GA Res. 375 (IV) (6 December 1949), Art. 3; the 1933 Montevideo Convention on the Rights and Duties of States, Art. 8 (26 December 1933), 49 Stat. 3097, TS 881.

مربوط به امور داخلی یا خارجی دولت دیگر دخالت می‌کند را نیز در بر می‌گیرد، برای نمونه، این قاعده استفاده یک دولت از شیوه‌های جبرآمیز غیرسایبری در راستای وادار ساختن دولت دیگر به تصویب قانون داخلی خاص راجع به مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی یا خودداری از عضویت در معاهده‌ای چندجانبه در خصوص خلع سلاح سایبری یا حقوق بشر در فضای برخط را منع خواهد کرد (Tallinn Manual 2.0, 2017: 312).۶

به‌علاوه، بیانیه آکسفورد ۲۰۲۰ درباره حمایت‌های حقوق بین‌الملل در برابر دخالت‌های خارجی در انتخابات از طریق ابزارهای دیجیتالی، نیز، یادآور می‌شود که حقوق بین‌الملل بر اقدامات سایبری دولت‌ها از جمله اقداماتی که بر فرایندهای انتخاباتی سایر دولت‌ها نتایج نامطلوب دارند، حاکم است و تأکید می‌کند که دولت‌ها، می‌بایست از هرگونه اقدام، تجویز و تشویقی که منجر به نتایج نامطلوب در انتخابات کشورهای دیگر می‌شود، خودداری نمایند (www.elac.ox.ac.uk).

۳. ویژگی‌های مداخله ممنوعه

اقدام مداخله‌آمیز ممنوعه شامل دو عنصر است؛ نخست، اقدام مورد نظر باید با مقولاتی در ارتباط باشد که متضمن امور داخلی یا خارجی دولت هدف هستند؛ دوم، ماهیت آن می‌بایست اجباری باشد (Tallinn Manual 2.0, 2017: 314).

"امور داخلی یا خارجی"، دامنه فعالیت‌های تحت حمایت اصل منع مداخله را مشخص می‌سازد. مفهوم امور داخلی، از مفهوم حوزه اختصاصی گرفته شده که شامل مقولاتی است که اصولاً به وسیله حقوق بین‌الملل تنظیم نمی‌شوند (Nationality Decrees Issued in Tunisia and Morocco, advisory opinion, 1923)؛ اصل عدم مداخله، به عنصر حاکمیتی مرتبط است که بر اساس آن دولت‌ها می‌توانند به‌طور مستقل و فارغ از مداخله دولت‌هایی دیگر، از اختیارات دولتی خود استفاده کنند (Moynihan, 2019: 27).

در رأی مربوط به قضیه نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری، زمانی که ابراز داشت "مداخله ممنوعه باید مداخله‌ای باشد که مقولاتی که وفق اصل حاکمیت، هر دولتی در اتخاذ تصمیم راجع به آن‌ها آزاد است را تحت الشعاع قرار می‌دهد" (Nicaragua judgment, para 205) تأکید کرد که مداخله، بر حوزه اختصاصی یک دولت تأثیر می‌گذارد؛ به‌طور خاص، چنین مقولاتی، شامل انتخاب نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و صورت‌بندی سیاست خارجی، می‌گردند (Nicaragua judgment, para 205). مطابق اعلامیه مربوط به روابط دوستانه، سازماندهی، تحریک، مساعدت، تأمین مالی یا مشارکت در آشوب داخلی یا تروریسم در دولت دیگر یا پذیرش بی‌قید و شرط فعالیت‌های سازمان‌یافته در قلمرو خود که برای ارتکاب چنین اقداماتی ترتیب داده شده‌اند، در شمار مصادیق مداخله هستند (Declaration on Friendly Relations, para. 1 And 3)؛ بیانیه آکسفورد، نیز، به‌طور ویژه، برخی اقدامات از جمله، دخالت در فرایندهای انتخاباتی، عملیات سایبری که به توانایی شرکت‌کنندگان در انتخابات و یا دریافت اطلاعات عمومی، دقیق و زمان‌مند صدمه وارد کند و همچنین، عملیاتی که به نقض حقوق حریم خصوصی، آزادی بیان، آزادی اجتماع و شرکت در انتخابات، منجر گردد را به عنوان مصادیق مداخله، معرفی می‌کند (www.elac.ox.ac.uk). به‌این ترتیب، اقدامات جبرآمیز سایبری، توسط یک دولت که با هدف حذف یا محدودسازی امتیازات حاکمیتی دولت دیگر در رابطه با این مقولات تدارک دیده شده‌اند، ممنوع قلمداد می‌شود.

وضعیتی را در نظر بگیرید که در آن یک دولت دو زبان رسمی دارد؛ زبان اکثریت و زبان گروه‌های قومی در اقلیت. دولت مزبور در رابطه با سیاست دوزبانه بودن، یک همه‌پرسی برگزار می‌کند. این همه‌پرسی به تصمیمی می‌انجامد که وفق آن تنها زبان اکثریت به عنوان زبان رسمی، باقی خواهد ماند. دولت همسایه که جمعیت آن عمدتاً دارای پیشینه قومی مشترک با اقلیت موجود در دولت نخست است، در تلاش برای وادار ساختن دولت مربوطه به بازگشتن از تصمیم خود و اداره تارنماها به هر دو زبان، به انجام عملیات‌های قطع خدمات علیه تارنماهای کلیدی دولتی دست می‌زند که صرفاً به زبان رسمی کنونی نمایه می‌شوند. از آنجایی که سیاست زبانی یک دولت در این وضعیت، مقوله‌ای است که به امور داخلی او ارتباط دارد، عملیات‌های سایبری جبرآمیز، مداخله ممنوعه به شمار می‌روند. در این

<sup>۶</sup>See also Declaration on the Prohibition of Military, Political or Economic Coercion in the Conclusion of Treaties, Annex to Final Act of the United Nations Conference on the Law of Treaties, A/CONF.39/26 (26 March–24 May 1968; 9 April–22 May 1969).

راستا، نیازی نیست که مداخله در حوزه داخلی یک دولت، علیه زیرساخت دولتی هدایت شده باشد یا فعالیت‌های دولتی را شامل شود، بلکه، کلید تحقق عنصر ابتدایی مداخله، این است که عمل مورد نظر می‌بایست به منظور تضعیف اقتدار دولت بر حوزه اختصاصی خود طراحی شده باشد (Tallinn Manual 2.0, 2017: 315-316).

اشاره دیوان بین‌المللی دادگستری به "تصمیم‌گیری آزادانه" در رأی قضیه نیکاراگوئه، ما را به این مطلب هدایت می‌کند که، عملیات‌های سایبری معین استفاده شده جهت وادار ساختن دولتی دیگر برای پایبندی به تعهدات حقوقی بین‌المللی خویش، از دامنه اعمال این قاعده حذف می‌شوند. این امر به این خاطر است که متعهد بودن یک دولت در قبال دولت دیگر، دست کم در قبال دولت دوم، موضوع را از دایره حوزه اختصاصی، خارج می‌سازد. در واقع، حقوق بین‌الملل اقدامات متفاوتی، نظیر مقابله به مثل، یا اقدامات متقابل را که برای قادر ساختن یک دولت به مجبور کردن دولت دیگر جهت محترم شمردن تعهدات حقوقی بین‌المللی خویش طراحی شده‌اند، مجاز می‌شمارد (Tallinn Manual 2.0, 2017: 317). اصل منع مداخله، مادامی که چنین روابطی امتیاز انحصاری حاکمیتی دولت هستند نیز از یکپارچگی امور خارجی دولت حمایت می‌کند (Jennings and Watts, 1922: 430-431).

همانگونه که در رأی قضیه نیکاراگوئه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تأیید شد، عنصر سازنده مداخله ممنوعه، اجبار است، دیوان اشعار داشت: "مداخله زمانی که از شیوه‌های جبرآمیز استفاده کند متخلفانه است؛ عنصر اجبار، مبنای اصلی مداخله ممنوعه را مشخص می‌سازد و در واقع شکل می‌دهد" (Nicaragua Judgment, Para 205). اقدامات غیرجبری، موجب شکل‌گیری مداخله در چارچوب اهداف این قاعده نمی‌شوند؛ اجبار، به گونه‌ای که در این قاعده به کار رفته است، به زور فیزیکی محدود نیست، بلکه به "عمل ایجابی طراحی شده برای محروم ساختن دولتی دیگر از آزادی انتخاب خویش، یعنی وادار ساختن آن دولت به عمل به شیوه‌ای غیرارادی یا خودداری غیرداوطلبانه از عمل به شیوه‌ای معین"، دلالت دارد (Declaration on Friendly Relations, para. 3). مورد دولتی را تصور کنید که دسترسی شهروندان خویش به برخی رسانه‌های خارجی و دیگر تارنماهای خارج از کشور را مسدود می‌سازد. دولت مسدود شده در تلاش برای وادار کردن دولت نخست به دست‌کشیدن از مسدودسازی دسترسی، به شماری از عملیات‌های سایبری مبادرت می‌نماید که به شدت در پخش رسانه‌های دولتی آن اختلال ایجاد می‌کنند. در هر دو مورد، کنترل دولت نخست بر فعالیت‌های سایبری در قلمرو خویش در کل، مقوله‌ای داخلی به شمار می‌رود، مگر آن که مغایر با هنجاری از نظام بین‌المللی حقوق بشر باشد و دولت دوم به فعالیت‌های سایبری جبرآمیزی اقدام نموده است که مداخله در امور داخلی دولت نخست محسوب است (Tallinn Manual 2.0, 2017: 318).

اجبار صرف، برای شکل‌گیری نقض ممنوعیت مداخله کفایت نمی‌کند؛ بلکه اقدام جبرآمیز باید به منظور تأثیرگذاری بر برآیندها یا رفتار مرتبط با مقوله‌ای که به دولت هدف اختصاص دارد طراحی شده باشد، اگر فشار، به حدی باشد که بتوان در برابر آن مقاومت کرد، اراده حاکمیتی دولت هدف، تحت تأثیر قرار نگرفته است (Moynihan, 2019: 28)؛ برای مثال، پویش سایبری خرابکارانه هدایت شده علیه زیرساخت سایبری متعلق به یک گروه قومی خاص در دولت همسایه ممکن است حاکمیت دولت دوم را نقض کند ولی مداخله ممنوعه به شمار نمی‌آید، زیرا به منظور تأثیرگذاری بر هیچ یک از برآیندها یا تصمیم‌های دولت هدف طراحی نشده است. با وجود این، اگر پویش سایبری مورد نظر در راستای وادار ساختن دولت مربوطه برای اتخاذ موضعی خاص در یک مناقشه قومی داخلی جاری تدارک دیده شده باشد، واجد این وصف خواهد بود.

برای جبرآمیز بودن اقدامات، در چارچوب اهداف این قاعده، لزومی ندارد اقدامات مورد نظر، واجد ماهیتی فیزیکی باشند. مورد دولت (الف) را در نظر بگیرید که در تلاش برای وادار ساختن دولت (ب) به صرف نظر کردن از شناسایی دولت (ج)، به عملیات‌های قطع هدفمند و به شدت اختلال‌گرانه خدمات علیه دولت (ب) دست می‌زند. منجر نشدن عملیات‌های سایبری مربوطه به پیامدهای فیزیکی، از وصف آن‌ها به عنوان مداخله‌ای ممنوعه نمی‌کاهد؛ در مقابل، عملیاتی سایبری که در صدد تغییر رفتار نیست، فاقد عنصر جبرآمیز لازم است.

افزون بر این، اجبار، می‌بایست از متقاعدسازی، انتقاد، دیپلماسی عمومی، تبلیغات، تلافی، کینه‌جوئی صرف و از این دست متمایز شود؛ به این معنا که بر خلاف اجبار، این قبیل فعالیت‌ها صرفاً شامل تأثیرگذاری بر اقدامات ارادی دولت هدف یا در صدد عدم اقدام

دولت هدف در کل هستند، به عنوان نمونه، پویش اطلاعاتی عمومی اینترنتی با پشتیبانی یک دولت که در راستای متقاعدسازی دولت دیگر در رابطه با منطق تصویب معاهده‌ای خاص طراحی شده است، نقض منع مداخله به شمار نمی‌رود. به همین شکل، اگر وزارت امور خارجه یک دولت، محتوایی را در رسانه‌های اجتماعی منتشر سازد که برای سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی دولت دیگر به شدت حیاتی است، فعالیت ذریبط واجد ماهیتی جبرآمیز نبوده و بنابراین موجب شکل‌گیری مداخله ممنوعه نمی‌گردد. نکته کلیدی این است که عمل جبرآمیز باید توانایی بالقوه، جهت وادار ساختن دولت هدف به انجام عملی که در حالت دیگر به آن مبادرت نمی‌ورزد، یا خودداری از انجام اقدامی که در حالت دیگر به آن دست می‌زند را داشته باشد (Tallinn Manual 2.0, 2017: 319).

تمایز میان عملیات‌های سایبری جبرآمیز و غیرجبرآمیز همیشه مشخص نیست؛ با این حال، توسل به زور سایبری مطابق قاعده ۶۸ دستورالعمل تالین ۲، توسط یک دولت علیه دولت دیگر همواره جبرآمیز بوده و بنابراین موجب شکل‌گیری مداخله می‌گردد؛ همانطور که، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود در قضیه نیکاراگوئه بیان کرد که اعمالی همچون اقدام نظامی یا پشتیبانی از اقدام نظامی که زور محسوب می‌شوند، موجب شکل‌گیری اشکال کاملاً آشکار از مداخله می‌گردند (Nicaragua judgment, para. 205)؛ دیوان سپس تشخیص داد که "پشتیبانی ایالات متحده از فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی کنتراها در نیکاراگوئه و از جمله حمایت مالی، آموزش، تأمین تسلیحات و پشتیبانی اطلاعاتی و لجستیکی، موجب نقض آشکار اصل منع مداخله شده‌اند" (Nicaragua judgment, para. 242).

بر اساس اصل سوم اعلامیه روابط دوستانه، اجبار کافی برای پشتیبانی از احراز مداخله غیرقانونی، شکل مستقیم یا غیرمستقیم به خود می‌گیرد (Declaration on Friendly Relations, para. 3)؛ دیوان بین‌المللی دادگستری، در خصوص رأی قضیه نیکاراگوئه مشخص کرد که ایالات متحده از جمله به‌وسیله آموزش، تسلیح، تجهیز و سایر اقدامات نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه، به شورشیان کمک کرده است (Nicaragua judgment, para. 228)؛ دیوان حکم کرد که اصل منع مداخله "کلیه کشورها و گروهی از کشورها را از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی سایر دول باز می‌دارد" (Nicaragua judgment, para. 205)، همین نتیجه در عرصه سایبر نیز پدیدار خواهد شد، برای مثال، اگر یک دولت تسلیحات سایبری<sup>۷</sup> در اختیار بازیگری غیردولتی که علیه دولت کشوری دیگر دست به شورش زده است قرار دهد، چنین مساعدتی، حتی اگر دولت نخست خود مبادرت به انجام عملیات‌های سایبری ننماید نیز، موجب شکل‌گیری مداخله ممنوعه مستقیم در امور داخلی دولت هدف و نیز توسل به زور می‌گردد (Tallinn Manual 2.0, 2017: 320).

آگاهی، دولت هدف نسبت به عملیات سایبری موجد مداخله ادعایی، پیش‌شرط نقض قاعده منع مداخله، نیست؛ یک عملیات سایبری خرابکارانه مخفی در سطح توسل به زور، حتی اگر بدافزار درگیر چنین القا کند که یک نقص فنی موجب خسارت شده است، مداخله به شمار می‌رود.

قصد، از دیگر عناصر تشکیل‌دهنده نقض ممنوعیت مداخله است. وضعیت‌هایی که در آن‌ها فعالیت‌های سایبری واجد اثر جبرآمیز عملی هستند را باید از وضعیت‌هایی که در آن‌ها دولت قصد اجبار رسمی دارد تفکیک کرد، برای مثال، ممکن است یک دولت به فعالیت‌هایی دست بزند که بدون داشتن قصد چنین کاری، کمک عملی به شورشیان حاضر در کشوری دیگر باشد، مثلاً، امکان دارد دولت، امنیت شرکت‌های ملی رسانه‌های اجتماعی خود را ارتقاء ببخشد و از این طریق موجب تقویت رسانه‌های اجتماعی مورد استفاده توسط نیروهای شورشی خارجی برای برقراری ارتباط گردد و دسترسی دولتی که شورشیان علیه آن دست به عملیات می‌زنند به آن ارتباطات را دشوار سازد. اقدامات دولت، موجب شکل‌گیری مداخله نمی‌شود، زیرا قصد مداخله در امور داخلی دولت هدف را نداشته است. یا مذاکرات جاری میان دو دولت همسایه راجع به ایمنی سایبری ضعیف در یکی از آن‌ها را تصور کنید؛ به علت قصور آن دولت در نگاهداری مناسب سامانه‌های خود، فعالیت‌های دولت دیگر به طرز چشمگیری مختل می‌شوند، مذاکرات از هم می‌پاشد و دولت دوم، به منظور حفاظت از سامانه‌های خویش، ارتباطات برآمده از دولت نخست را مسدود می‌سازد. از آنجایی که فعالیت‌های سایبری دولت

<sup>۷</sup> قاعده ۱۰۳ دستورالعمل تالین ۲: (الف) «ابزارهای جنگ سایبری» سلاح‌های سایبری و سامانه‌های سایبری ملحق به آن‌ها هستند؛ و (ب) «شیوه‌های جنگ سایبری»، تاکتیک‌ها، فنون و روش‌های سایبری هستند که عملیات‌های متخاصمانه از طریق آن‌ها انجام می‌شوند.



نخست عمده‌تاً به زیرساخت سایبری مستقر در دولت دوم متکی است، به گونه‌ای مؤثر مجبور می‌شود که اقدامات درخواستی در خلال مذاکرات را اتخاذ نماید. هدف مبنایی مسدوسازی ارتباطات صرفاً برای حفاظت و نه وادار ساختن بود. بنابراین، دولت دوم این قاعده را نقض نکرده است.

همچنین، هنگامی که اجبار توسط یک دولت از طریق دیگر طرف‌ها اجرا می‌شود، لزومی ندارد که دولت مربوطه، هدفی مشترک با طرف‌های مزبور داشته باشد؛ تنها شرط این است که آن دولت، قصد ایراد اجبار در مقوله‌ای را داشته باشد که به دولت هدف اختصاص دارد. بهترین مصداق، مورد نیکاراگوئه است که در آن دیوان بین‌المللی دادگستری نتیجه گرفت لزومی به تعیین اینکه آیا قصد ایالات متحده همچون شورشیانی که به آن‌ها کمک کرد براندازی دولت نیکاراگوئه بوده یا خیر، وجود ندارد. احراز قصد ایالات متحده از طریق پشتیبانی از شورشیان به مجبور ساختن نیکاراگوئه در مقولاتی که در رابطه با آن‌ها از حق تصمیم‌گیری آزادانه برخوردار است کفایت داشت (Nicaragua judgment, para. 241). با مقایسه این یافته در موارد سایبری، مورد دولتی را در نظر بگیرید که برای شورشیان حاضر در کشوری دیگر که در صدد براندازی دولت کشور دوم هستند، تسلیحات سایبری فراهم می‌کند و به آن‌ها آموزش می‌دهد؛ نیازی نیست دولت نخست اقدامات خود را با قصد ختم شدن به براندازی دولت انجام دهد، برای مثال، ممکن است صرفاً خواستار ایجاد بی‌نظمی داخلی باشد، اقدامات او، صرف‌نظر از هدف شورشیان، مادامی که دو معیار لازم برای مداخله در دولت نخست محقق شوند، موجب شکل‌گیری مداخله می‌گردد. همچنین، عدم موفقیت عملیات سایبری جبرآمیز در ایجاد برآیند مورد نظر، تأثیری بر نقض یا عدم نقض این قاعده ندارد.

تهدید نیز، می‌تواند این قاعده را نقض کند؛ در رابطه با اقدامات جبرآمیز، تهدید می‌بایست واجد ماهیتی قهری باشد و در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر مداخله نماید، برای مثال، اگر یک دولت به منظور وادار ساختن دولتی دیگر به تغییر سیاست‌های مالی داخلی خود تهدید به انجام عملیاتی سایبری نماید که اعتماد به بازار بورس آن دولت را فرو می‌پاشد، تهدید ذریبست موجب شکل‌گیری مداخله ممنوعه می‌گردد. برای اینکه تهدید مربوطه نقض این قاعده به شمار آید، لزومی ندارد در وادار ساختن دولت هدف به رفتار موردنظر موفق باشد؛ همانگونه که استفاده‌های غیرقانونی از زور همواره مداخله ممنوعه به شمار می‌رود. تهدید به استفاده غیرقانونی از زور نیز ذاتاً مداخله است؛ در نتیجه، تهدید متخلفانه به زور، هم قاعده منع مداخله و هم قاعده منع توسل به زور را نقض می‌کند.

اما در مقابل، اگر دولت، به عملی رضایت دهد که در صورت عدم رضایت او مداخله ممنوعه به شمار می‌آید، این قاعده نقض نمی‌شود، زیرا رضایت، وصف متخلفانه بین‌المللی یک عمل را رفع می‌کند. به این ترتیب، اگر یک دولت در سطح استفاده از زور و با درخواست دولت دوم به عملیات‌های سایبری علیه شورشیان در دولت دیگر مبادرت جوید، مداخله غیرقانونی وجود نخواهد داشت (Tallinn Manual 2.0, 2017: 321).

عملیات‌های انجام شده توسط یک دولت به منظور حفاظت از اتباع خود که در خارج از کشور در خطر هستند یا تسهیل تلاش‌ها برای انجام این کار، در صورتی که دولت سرزمینی حمایت کافی را از آن‌ها به عمل نیاورد، حتی اگر بدون رضایت دولت سرزمینی نیز به اجرا در آیند، به طور کل مداخله متخلفانه به شمار نمی‌روند (Tallinn Manual 2.0, 2017: 322).

اقدامات سایبری با اقدام اقتصادی سنتی از این نظر که متضمن اقدامات فنی فعال هستند و صرفاً شامل دست کشیدن از تجارت یا دیگر فعالیت‌های اقتصادی نمی‌گردند تفاوت دارند و بنابراین اقدامات اقتصادی اتخاذ شده از طریق ابزارهای سایبری که ماهیت آن‌ها جبرآمیز است، می‌توانند مداخله به شمار آیند. مداخله به شمار نرفتن یک عملیات سایبری ضرورتاً آن را قانونی نمی‌سازد؛ مصداق بارز این وضعیت، نقض غیرجبری حاکمیت به وسیله ابزارهای سایبری است (Tallinn Manual 2.0, 2017: 324-325).

از سوی دیگر، مطابق قاعده ۶۷ دستورالعمل تالین ۲، ملل متحد نباید از جمله به وسیله ابزارهای سایبری در مقولاتی که اساساً تحت صلاحیت یک دولت قرار دارند مداخله نماید. این اصل به اتخاذ اقدامات اجرایی که شورای امنیت ملل متحد به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد راجع به آن‌ها تصمیم‌گیری کرده است، خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. این قاعده بر مبنای بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد استوار

<sup>4</sup>See also R.J. Vincent, Nonintervention and International Order 288 (1974); Oppenheim's International Law, at 439-447.



است که بر اساس آن ملل متحد اجازه ندارد "در مقولاتی که اساساً تحت صلاحیت داخلی هر دولت هستند مداخله نماید"؛ این قاعده به حق شورای امنیت مبنی بر صدور مجوز یا دستور اقدامات سایبری به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد در راستای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی خدشه‌ای وارد نمی‌سازد (UN Charter, Art. 39). زمانی که شورای مربوطه به این کار مبادرت ورزد، کلیه دولت‌ها باید تصمیمات آن را بپذیرند و اجرا نمایند (UN Charter, Art. 25)، برای نمونه، این شورا می‌تواند قطعنامه الزام‌آوری را به تصویب برساند که از دولت‌ها بخواهد دسترسی به ارتباطات سایبری دولتی خاص را قطع کنند یا به دولت‌ها مجوز بدهد تا علیه یک دولت به عملیات‌های سایبری دست بزنند. پایبندی به چنین قطعنامه‌ای این قاعده را نقض نخواهد کرد (Tallinn Manual 2.0, 2017: 327).

۴: استثنائات اصل عدم مداخله

اصل عدم مداخله، در شرایط خاصی که مبنای آن در برخی از قوانین بین‌المللی، قابل ملاحظه است، قابل نقض بوده و استثنائاتی بر آن حاکم می‌شود؛ از جمله:

۱- مجوز شورای امنیت در نقض اصل عدم مداخله:

چنانکه در فصل ششم منشور ملل متحد ضمن ماده ۳۴، مقرر گردیده است، شورای امنیت می‌تواند هر اختلاف یا وضعیتی که ممکن است منجر به یک چالش یا مناقشه بین‌المللی گردد یا اختلافی ایجاد نماید را به منظور تشخیص اینکه آیا ادامه اختلاف یا وضعیت مزبور، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد یا خیر، مورد بررسی قرار دهد، همچنین، در تکمیل وظایف شورای امنیت، ذیل فصل هفتم و ضمن ماده ۳۹، اعلامی دارد که شورا در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مجاز به انجام اقدامات مندرج در مواد ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد می‌باشد؛ لذا منشور ملل متحد، شورای امنیت را مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و به استناد قسمت دوم از بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد، اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور، به اصل عدم مداخله، لطمه وارد نخواهد آورد. قاعده ۶۷ دستورالعمل تالین ۲، در همین راستا بیان داشته است "ملل متحد نباید از جمله به وسیله ابزارهای سایبری در مقولاتی که اساساً تحت صلاحیت یک دولت قرار دارند مداخله نماید. این اصل به اتخاذ اقدامات اجرایی که شورای امنیت ملل متحد به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد راجع به آن‌ها تصمیم‌گیری کرده است، خدشه‌ای وارد نمی‌سازد"؛ به این ترتیب، ملل متحد اجازه ندارد «در مقولاتی که اساساً تحت صلاحیت داخلی هر دولت هستند مداخله نماید». این قاعده به حق شورای امنیت، مبنی بر صدور مجوز یا دستور اقدامات سایبری به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد در راستای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی خدشه‌ای وارد نمی‌سازد، چنانکه مطابق قاعده ۷۶ دستورالعمل تالین ۲، "در صورتیکه شورای امنیت ملل متحد تعیین کند که یک عملیات سایبری موجب شکل‌گیری تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز شده است، می‌تواند اجازه اتخاذ اقدامات غیرقهری در پاسخ و از جمله انجام عملیات‌های سایبری را بدهد. در صورتیکه شورای امنیت چنین اقداماتی را ناکافی قلمداد نماید، می‌تواند در خصوص اقدامات قهرآمیز از جمله اقدامات سایبری اتخاذ تصمیم کند". اگر چه شورای امنیت نوعاً به اعمال اقتدار خویش به موجب ماده ۳۹ در رابطه با وقایع یا وضعیت‌های خاص مبادرت می‌جوید، ولی دو پدیده حائز اهمیت را تهدید صلح نامیده است: تروریسم بین‌المللی و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی.

شورای امنیت، به مجرد انجام امر تعیین مقرر در ماده ۳۹، می‌تواند اتخاذ اقدامات وفق ماده ۴۱ را مدنظر قرار دهد که این اقدامات ممکن است توقف کلی یا جزئی روابط دیپلماتیک و ارتباطات ریلی، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر شیوه‌های ارتباطی و قطع روابط دیپلماتیک را در بر بگیرد. اقدامات غیرقهری اقداماتی هستند که به سطح بکارگیری زور نمی‌رسند. از سوی دیگر، زمانی که شورا تشخیص دهد که تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز وجود دارد و اقدامات غیرقهری برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ناکافی خواهند بود یا نابسندگی آن‌ها اثبات شده است، می‌تواند مجوز بکارگیری زور از طریق «نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد» و از جمله از طریق ابزارهای سایبری را صادر کند.

## ۲- دفاع مشروع فردی یا جمعی

دومین مورد از استثنائات وارده بر اصل عدم مداخله، براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، یعنی، دفاع مشروع می‌باشد، به این ترتیب، در صورت وقوع حمله مسلحانه، علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت، اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچ‌یک از مقررات منشور به حق ذاتی دفاع از خود، اعم از فردی یا جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد (عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). قاعده ۷۱ دستورالعمل تالین ۲، در تعریف دفاع از خود مقرر داشته است "دولتی که هدف عملیات سایبری ای قرارداد که به سطح حمله‌ای مسلحانه رسیده است، می‌تواند حق ذاتی خود مبنی بر دفاع از خود را اعمال نماید. شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری حمله مسلحانه توسط عملیاتی سایبری به مقیاس و آثار آن وابسته است".

## ۳- مداخله بر اساس رضایت (دعوت)

قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد و مصوبه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در سال ۲۰۰۱، همچنین نظریه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه، با مقررات حقوق بین‌الملل در رابطه با اصل عدم مداخله مغایرت دارد، چنانکه، به عنوان مثال، بند ۲ ماده ۸ قطعنامه تعریف تجاوز، "استفاده از نیروهای مسلح مقیم در سرزمین دولت دیگر برخلاف شرایط مقرر در توافقنامه منعقد با دولت پذیرنده یا تمدید دوره حضور در سرزمین دولت فرستنده برخلاف شرایط توافقنامه" (A/RES/3314(XXV) به این مطلب اشاره دارد که حضور نیروهای خارجی در سرزمین یک دولت، اگر با اجازه دولت مرکزی باشد، ممنوع نیست (عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۷۶). ماده ۲۰ کمیسیون حقوق بین‌الملل، مقرر می‌دارد "رضایت معتبر دولت به ارتکاب فعلی معین توسط دولتی دیگر تا حدی که آن فعل در محدوده رضایت مزبور باشد مانع متخلفانه بودن آن فعل نسبت به دولت نخست می‌شود"؛ ماده مزبور اعلام می‌کند، رضایت یک دولت به انجام رفتاری خاص توسط دولت دیگر در ارتباط با دولت رضایت دهنده، موجب زائل شدن وصف متخلفانه آن فعل می‌شود. به این ترتیب، اگر دولت، به عملی رضایت دهد که در صورت نبود رضای او مداخله ممنوعه به شمار می‌آید، این قاعده نقض نمی‌شود. همانگونه که در قاعده ۱۹ تالین ۲، بیان شد، رضایت وصف متخلفانه بین‌المللی یک عمل را رفع می‌کند (Tallinn Manual 2.0, 2017: Rule 66, Para 32).

## ۴- مداخله بشردوستانه

مداخله بشردوستانه، عبارت است از "اقدام قهری به وسیله یک یا چند کشور به وسیله استفاده از نیروی نظامی در کشور دیگر، بدون رضایت مقامات آن کشور و به جهت جلوگیری از آسیب جدی و گسترده یا مرگ جمعیت غیر نظامی". تاکنون، قاعده قراردادی در این زمینه، ایجاد نشده است و قاعده عرفی نیز از رویه دولت‌ها استخراج نشده است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). گروه بین‌المللی کارشناسان تالین ۲، در خصوص اینکه نقض یا عدم نقض اصل عدم مداخله، توسط عملیات‌های سایبری صورت گرفته، در پشتیبانی از مداخله بشردوستانه‌ای که نه مجوز شورای امنیت ملل متحد را دارد و نه دولت سرزمینی به آن‌ها رضایت داده است، به دو دسته تقسیم شد؛ به باور اقلیت کارشناسان که قائل به استثناء بودن مداخله بشردوستانه بر ممنوعیت استفاده از زور بودند، چنین عملیاتی‌هایی نه بکارگیری غیرقانونی زور هستند و نه مداخله ممنوعه به شمار می‌آیند، زیرا عملیات‌های سایبری مربوطه براساس ماهیت قانونی مداخله بشردوستانه انجام می‌پذیرند. از نظر اکثریت، که براساس موضع ایشان حقی دایر بر مداخله بشردوستانه وجود ندارد، عملیات‌های سایبری مربوطه، مادامی که در حالتی دیگر مداخله ممنوعه به شمار آیند، به موجب این قاعده ممنوع خواهند بود (Tallinn Manual 2.0, 2017: Rule 66, Para 36).

## ۵- مسئولیت حمایت

کمیسیون بین‌المللی درباره مداخله و حاکمیت دولت‌ها، در گزارش سال ۲۰۰۱، اعلام داشت "زمانی که مردم یک کشور از صدمات شدید ناشی از یک جنگ داخلی، شورش، سرکوب یا فروپاشی دولت، دچار آسیب شود و دولت مربوطه تمایل یا توانایی نسبت به توقف یا جلوگیری از آن وضعیت نداشته باشد، اصل عدم مداخله به مسئولیت بین‌المللی جهت حمایت تبدیل می‌شود؛ مسئولیت حمایت، سه عنصر "مسئولیت برای پیشگیری" - که مربوط به منشاء و علل ایجاد مخاصمه و بحران‌هایی که جمعیت غیر نظامی را در معرض خطر قرار می‌دهد مرتبط است -، "مسئولیت واکنش" - که شامل اقدامات مرتبط با مداخله نظامی است - و "مسئولیت بازسازی" - که به شرایط پس از مداخله نظامی جهت هدف‌قراردادن عوامل آسیب‌ها و صدمات ناشی از مداخله تأکید دارد، رادر بر می‌گیرد (International Commission on Intervention and State Responsibility, 2001: 11). تاکنون، وفاق و اجماع لازم برای شکل‌گیری یک قاعده عرفی در زمینه مداخله نظامی بدون مجوز شورای امنیت در چارچوب مفهوم مسئولیت حمایت و فارغ از مسئله صلح و امنیت مندرج در فصل هشتم منشور وجود ندارد. مواضع دولت‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها، قائل بودند که این مفهوم، مبهم است؛ اینکه تئوری مسئولیت حمایت به قاعده عرفی حقوق بین‌الملل تبدیل شده باشد تا در هر شرایطی جایگزین عدم مداخله شود، با رویه دولت‌ها سازگار نیست (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

## نتیجه‌گیری

اصل عدم مداخله، به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، در جهت حفظ حاکمیت و استقلال دولت‌ها و نیز حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، دولت‌ها را از دخالت در امور یکدیگر، منع کرده و دولت‌ها تنها در شرایط خاصی، از جمله، مجوز شورای امنیت در نقض اصل عدم مداخله، دفاع مشروع فردی یا جمعی و مداخله بر اساس رضایت حکومت مرکزی، امکان نقض این اصل مهم در حقوق بین‌الملل را دارند.

اعلامیه روابط دوستانه، بیشترین میزان توجه به این اصل اساسی حقوق بین‌الملل را دارد و تأکید می‌کند که هیچ کشوری حق دخالت در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر را ندارد، همچنین، مداخله مسلحانه و تمام اشکال دیگر دخالت یا تلاش برای تهدید علیه شخصیت دولت یا عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت، را نقض قوانین بین‌المللی می‌داند؛ رأی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره نیکاراگوئه نیز، تأثیر بسیاری در اعلام این اصل، به عنوان قاعده حقوق بین‌المللی عرفی دارد.

در رابطه با موضوع مداخله در امور داخلی دولت‌ها از طریق عملیات سایبری، بیانیه آکسفورد ۲۰۲۰ درباره حمایت‌های حقوق بین‌الملل در برابر دخالت‌های خارجی در انتخابات از طریق ابزارهای دیجیتالی، نیز، به صراحت اعلام کرده است، حقوق بین‌الملل بر اقدامات سایبری دولت‌ها از جمله آن دسته از اقداماتی که بر فرایندهای انتخاباتی سایر دولت‌ها نتایج نامطلوب دارند، حاکم است و تأکید می‌کند که دولت‌ها، می‌بایست از هرگونه اقدام، تجویز و تشویقی که منجر به نتایج نامطلوب در انتخابات کشورهای دیگر می‌شود، خودداری نمایند.

قاعده ۶۶ دستورالعمل تالین ۲، به عنوان سندی که قدرت اجرایی و عرفی کافی برای قاعده‌مندسازی عملیات سایبری نداشته و تنها به عنوان دستورالعملی می‌تواند در برخورد با مسائل از این دست، راهگشا باشد، نیز، بر منع مداخله دولت‌ها در امور داخلی سایر دول تأکید داشته و نیز، ویژگی‌ها و عناصر یک مداخله و انواع مداخله با استفاده از ابزار سایبری را برشمرده است. بر این اساس، استفاده یک دولت از ابزارها و عملیات‌های سایبری به منظور تغییر آراء الکترونیکی از راه دور و دست بردن در انتخابات از طریق آن، مداخله محسوب می‌شود. اقدام مداخله‌آمیز ممنوعه، شامل دو عنصر است؛ نخست، اقدام مورد نظر باید با مقولاتی در ارتباط باشد که متضمن امور داخلی یا خارجی دولت هدف هستند؛ دوم، ماهیت آن می‌بایست جبرآمیز باشد.



از سوی دیگر، اجبار صرف، برای شکل‌گیری نقض ممنوعیت مداخله کفایت نمی‌کند؛ بلکه اقدام جبرآمیز باید با هدف تأثیرگذاری بر برآیندها یا رفتار مرتبط با مقوله‌ای که به دولت هدف اختصاص دارد طراحی شده باشد؛ اجبار ممکن است شکل مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشد، چنانکه، دیوان بین‌المللی دادگستری، در خصوص رأی قضیه نیکاراگوئه مشخص کرد که ایالات متحده از جمله به‌وسیله آموزش، تسلیح، تجهیز و سایر اقدامات نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه، به شورشیان کمک کرده است.

همچنین، قصد، از دیگر عناصر تشکیل‌دهنده نقض ممنوعیت مداخله است. وضعیت‌هایی که در آن‌ها فعالیت‌های سایبری واجد اثر جبرآمیز عملی هستند را باید از وضعیت‌هایی که در آن‌ها دولت قصد اجبار رسمی دارد تفکیک کرد.

به صورت کلی، مادامی که دو معیار لازم برای مداخله محقق شوند، مداخله شکل گرفته و موفقیت یا عدم موفقیت عملیات سایبری جبرآمیز در ایجاد برآیند موردنظر، تأثیری بر نقض یا عدم نقض این قاعده ندارد.

علاوه بر این، تهدید، می‌تواند این قاعده را نقض کند؛ در رابطه با اقدامات جبرآمیز، تهدید می‌بایست واجد ماهیتی قهری، نسبت به امور داخلی یا خارجی دولت دیگر باشد و لزومی ندارد در وادار ساختن دولت هدف به رفتار موردنظر موفق باشد؛ بنابراین، تهدید به استفاده غیرقانونی از زور نیز ذاتاً مداخله است؛ در نتیجه، تهدید متخلفانه به زور، هم قاعده منع مداخله و هم قاعده منع توسل به زور را نقض می‌کند.

مطابق قاعده کلی، در عملیات سایبری نیز، آنچه از مداخله مستثنی شده است، شامل رضایت، مجوز شورای امنیت و دفاع مشروع خواهد بود. همچنین، عملیات‌های انجام شده توسط یک دولت به منظور حفاظت از اتباع خود، در صورتی که دولت سرزمینی حمایت کافی را از آن‌ها به عمل نیاورد، حتی اگر بدون رضایت دولت سرزمینی نیز به اجرا در آیند، به طور کل مداخله متخلفانه به شمار نمی‌روند.

منابع

۱. فارسی

کتابها

- اصلانی، جبار. (۱۳۹۵). حملات سایبری در چارچوب نظام مسئولیت بین‌المللی، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

- والو، ژان. (۱۳۹۸). حملات سایبری و توسل به زور، الناز کتانیچی، تهران، انتشارات ارشدان

مقالات

- اسمعیل‌زاده‌ملاباشی، پرستو و عبداللهی، محسن (۱۳۹۹). «حملات سایبری و نقض عدم مداخله» تهران، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۲

- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۰). «مداخلات بشردوستانه و اصل عدم مداخله، تهران»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی

- عزیزی، ستار (۱۳۹۰). «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر رای دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو»، تهران، فصلنامه پژوهش حقوقی، شماره ۳۳

- قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۵) «چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل». تهران، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۳۲

۲. انگلیسی

## Books

-Gill T.D. (2013). *Non Intervention in the Cyber Context*, Tallinn: NATO CCD COE Publications

- Jennings, Sir Robert QC Watts, Sir Arthur KCMG QC. (1992). *Oppenheim' s International Law*. Vol. 1, Ninth Edition, Harlow: Longman

- Moynihan, Harriet (2019). *The Application of International Law to State Cyberattacks: Sovereignty and Non-Intervention*. Chatham House

- Roscini, Marco. (2014). *Cyber operation and use of force in international law*, oxford press

- Tallinn Manual On The International Law Applicable To Cyber Warfare, Perpared by International Group of Experts at the Invitation of the NATO Cooperative Cyber Defence Center of Excellence, Cambridg university press(2013)

- Tallinn Manual 2.0 On The International Law Applicable To Cyber Operation, Perpared by International Group of Experts at the Invitation of the NATO Cooperative Cyber Defence Center of Excellence, Cambridg university press (2017)

## Articles

- Efrony, Dan & Yuval Shany, (2018). «A Rule on the Shelf? Tallin Manual 2.0 onn Cyber Operations and Subsequent State Practice». University of Jerusalem legal Research.
- Wood, Sir Michael (2007). «The Principle of Non-Intervention Contemporary international Law: Non-Interference in a States Internal Affairs Used to be a Rule of International Law: Is it Still? A Summary of the catham House International Law Discussion Group Meeting Documents
- ,,,,, , oo w tt the Term "Armed oo nfiic"" ee fired nnInnnnaion. l uu manttannnrLa?? “, Macch 2008
- The International Committee of the Red Cross, What is International Humanitarian Law?, ICRC, (2004)
- Nicaragua v. United States of America - Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua - Judgment of 27 June 1986 - Merits - Judgments [1986] ICJ 1 (27 June 1986).
- United Kingdom of Great Britain and North Ireland v. Albania, Corfo Channel, ICJ Reports1949(15 December 1494)
- Encyclopedia of Public International Law.North Holland Publishing Company, Vol. 3(A-M)
- Declaration on the Inadmissibility of Intervention in the Domestic Affairs of States and the Protection of their Independence and Sovereignty, GA Res 2131(XX), 21 December 1965
- Definition of Aggression, GA Resolution A/RES/3314(XXV)18 December 1967
- Ministry of Foreign Affairs of Russia, Concept of the Foreign Policy of the Russian Federation, Art. 28 (12 February 2013);
- Statement of Defense of the United States, Iran–United States Claims Tribunal, Claim No. A/30 44 n.33, 52–57 (1996)
- Declaration on Friendly Relations, A/Res/25/2625, (24 October 1970)
- Declaration on Rights and Duties of States, International Law Commission, annexed to GA Res. 375 (IV) (6 December 1949)
- The 1933 Montevideo Convention on the Rights and Duties of States, Art. 8 (26 December 1933), 49 Stat. 3097, TS 881.
- Declaration on the Prohibition of Military, Political or Economic Coercion in the Conclusion of Treaties, Annex to Final Act of the United Nations Conference on the Law of Treaties, A/CONF.39/26 (26 March–24 May 1968; 9 April–22 May 1969).
- Nationality Decrees Issued in Tunis and Morocco, advisory opinion, PCIJ (ser. B) No. 4, at 24 (7 February 1923)
- R.J. Vincent, Non-intervention and International Order 288 (1974)
- Declaration on the Inadmissibility Intervention and Interference in the Internal Affairs of states, A/Res/36/103, (20 Jan 1982)
- The Oxford Statement On International Law Protections Against Foreign Electoral Interference Through, www.elac.ox.ac.uk

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی